

فلسفه اسلامی ارشد

www.ketab.ir



عنوان و نام پدیدآور : فلسفه اسلامی ارشد
مشخصات نشر : تهران: سنجش و دانش، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری : ۳۰۶ص.
شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۲۳۲-۶۵۷-۷
وضعیت فهرست نویسی : فبپاک مختصر
یادداشت : فهرست نویسی کامل این اثر در نشانی: <http://opac.nlai.ir> قابل دسترسی است
شناسه افزوده : انتشارات سنجش و دانش
شماره کتابشناسی ملی : ۴۰۱۴۹۹۳

فلسفه اسلامی ارشد

گردآورنده:

گروه مولفین

ناشر:

انتشارات سنجش و دانش

صفحه آرای:

مهناز تقوی

تیراژ:

۵۰۰ نسخه

نوبت چاپ:

اول، ۱۳۹۴

شابک:

۹۷۸-۶۰۰-۲۳۲-۶۵۷-۷

نشانی: میدان انقلاب - خیابان دانشگاه - تقاطع روانمهر - ساختمان سنجش و دانش

تلفن: ۰۲۱۶۱۲۶

قیمت:

۲۰۰۰۰۰ ریال

*** کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر محفوظ می باشد.***

فهرست مطالب

۶	مجموعه مباحث مهم مسافت
۷	پیشگفتار
۱۰	مقدمه
۱۱	فصل اول: مسائل کلی وجود
۲۵	نمونه سؤالات فصل اول
۳۳	پاسخنامه فصل اول
۳۵	فصل دوم: وجود مستقل و وجود رابط
۳۹	نمونه سؤالات فصل دوم
۴۱	پاسخنامه فصل دوم
۴۲	فصل سوم: وجود ذهنی و وجود خارجی
۴۷	نمونه سؤالات فصل سوم
۵۰	پاسخنامه فصل سوم
۵۱	فصل چهارم: مواد قضایا وجوب وامتناع و امکان و انحصار مواد در آنها
۷۱	نمونه سؤالات فصل چهارم
۷۷	پاسخنامه فصل چهارم
۷۹	فصل پنجم: ماهیت و احکام آن
۹۲	نمونه سؤالات فصل پنجم
۹۷	پاسخنامه فصل پنجم
۹۹	فصل ششم: درباره مقولات ده گانه
۱۱۲	خاتمه بحث
۱۲۸	نمونه سؤالات فصل ششم
۱۳۳	پاسخنامه فصل ششم
۱۳۳	فصل هفتم: واحد و کثیر
۱۳۴	۷-۲- اقسام واحد
۱۳۵	۷-۳- هوویت (ابن همانی)
۱۴۴	خاتمه بحث
۱۴۶	نمونه سؤالات فصل هفتم
۱۵۰	پاسخنامه فصل هفتم

۱۵۱	فصل هشتم: علت و معلول
۱۷۸	نمونه سؤالات فصل هشتم:
۱۸۲	پاسخنامه فصل هشتم
۱۸۳	فصل نهم: قوه و فعل
۱۹۷	۹-۱۴- اقسام حرکت
۱۹۸	خاتمه بحث
۲۰۰	نمونه سؤالات فصل نهم
۲۰۷	پاسخنامه فصل نهم
۲۰۹	فصل دهم: سبب و لحوق و قدم و حدوث
۲۱۷	نمونه سؤالات فصل دهم:
۲۲۰	پاسخنامه فصل دهم
۲۲۱	فصل یازدهم: عقل و عاقل و معقل
۲۴۵	نمونه سؤالات فصل یازدهم
۲۵۱	پاسخنامه فصل یازدهم
۲۵۳	فصل دوازدهم: مباحثی که اختصاص به واجب الوجود عزآسمه دارد
۲۹۶	نمونه سؤالات فصل دوازدهم:
۳۰۴	پاسخنامه فصل دوازدهم
۳۰۶	منابع و مأخذ:

مجموعه مباحث مهم فلسفه

پیشگفتار

فلسفه در جست‌وجوی بنیادی‌ترین حقایق عالم است و در آن از احوال موجود بما هو موجود بحث می‌شود (که همان نظر ارسطوست). واژه فلسفه به معنای دوستداری حکمت نیز هست؛ سقراط فیلسوف خردگرا خود را «فیلاسوفوس» یعنی دوستدار علم و حکمت می‌نامید. این واژه ریشه یونانی دارد که سپس به عربی راه یافته است و به شکل «فیلسوف» در آمده و کلمه «فلسفه» از آن اقتباس شده است.

نوشتار حاضر مجموعه مباحث مهم فلسفی از معارف عمیق کتاب‌های «نهایه الحکمه» و «بدایه الحکمه» از فیلسوف بزرگوار علامه محمد حسین طباطبائی می‌باشد. رویکرد عقلانی و تفکر در مسائل مختلف از شاخصه‌های بارز علامه در سراسر زندگی ایشان است. علامه در زمانی می‌زیست که اوج تفکرات ماتریالیستی حکمفرما بود و از طرف دیگر برخی از علما نیز تحصیل فلسفه را حرام می‌دانستند ولی مرحوم علامه از همان آغاز تحصیل، به مطالعه کتب فلسفی علاقمند بود و تدریس فلسفه را از نیازهای اساسی حوزه‌های علمیه بشخیم داد. علامه در تدریس و ترویج فلسفه سختکوش بود و احاطه و اشراف کامل بر مسائل فلسفی داشت. وی تنها مدرس و شارح فلسفه نبود بلکه ایشان فیلسوف به معنای واقعی کلمه بودند و ابداعات بسیاری در مسائل فلسفی داشتند؛ از جمله می‌توان به ابداعات وی در زمینه مباحث معرفت‌شناسی، امور عامه و الهیات بالمعنی الاخص اشاره کرد.

از مهم‌ترین ابتکارات علامه، ترتیب منطقی مسائل فلسفی و تدوین آن به صورت متون روشنی در دو کتاب «بدایه الحکمه» و «نهایه الحکمه» است. آنچه پیش رو دارید، خلاصه مباحث مهم از این دو کتاب ارجمند به صورت تلفیقی می‌باشد که امیدوارم مطالعه مطالب مطرح شده مورد استفاده دانش‌پژوهان و طلاب گرامی واقع شود.

والحمد لله أولاً و آخراً والصلوة علی محمد و آله الطاهرين

معصومه خلیلی مقدم

*چند نکته مهم برای موفقیت بیشتر در کنکور کارشناسی ارشد فلسفه و کلام اسلامی:

- ۱- توکل بر خدا، برنامه‌ریزی صحیح، سعی وافر، داشتن هدف والا
 - ۲- مطالعه‌ی متون عربی نه‌ایه‌الحکمه و بدایه‌الحکمه (بسیاری از سؤالات فلسفه به صورت عربی می‌باشد؛ بنابراین دانشجو باید تسلط کافی بر متون عربی دو کتاب مذکور داشته باشد).
 - ۳- مطالعه‌ی شروحی که بر بدایه و نه‌ایه نوشته شده است برای درک بهتر مفاهیم دو کتاب مذکور
 - ۴- اگرچه غالب سؤالات فلسفه از نه‌ایه‌الحکمه مطرح می‌شوند ولی گاهی از بدایه‌الحکمه نیز سؤالاتی مطرح می‌شوند لذا برای موفقیت بیشتر باید این دو کتاب مطالعه شوند.
 - ۵- غالب سؤالات کلام نیز از کتاب کفای فی شرح تجرید الاعتقاد می‌باشد ولی چند سؤال (معمولاً ۲ تا ۳ سؤال از مباحث مربوط به معاد) از منظومه حکیم سرشاری نیز طرح می‌شوند.
 - ۶- برای مطالعه منطق نیز کتاب منطق منائر معرود محور سؤالات منطقی بوده است ولی در چند سال اخیر سؤالات بسیاری از منطق قراملکی و جوهرالنضید نیز طرح می‌شود. لذا برای موفقیت بیشتر مطالعه مباحث این کتب خصوصاً مثال‌های آنان اکیداً توصیه می‌شود.
- هرگونه سؤال، انتقاد و پیشنهاد خود را راجع به مباحث این کتاب به آدرس اینترنتی masoomehkhali98@yahoo.com ارسال فرمائید. (البته مدرس تنها به سؤالات معقول و منطقی شما پاسخ می‌دهد).

و من الله توفیق!

مقدمه

فلسفه علمی است که در آن پیرامون احوال و احکام موجود مطلق (یعنی موجود از آن جهت که موجود است) بحث و بررسی می‌شود، همچون: وجود یا واجب است یا ممکن، و یا مجموعه مسائل و قضایایی که پیرامون موجود بما هو موجود مطرح می‌گردد. فلسفه اعم از همه علوم و معارف است؛ زیرا موضوع آن (موجود) عام‌ترین موضوعات و در برگیرنده همه چیزهاست. علوم کلاً از حیث ثبوت موضوع متوقف بر فلسفه‌اند، اما فلسفه در ثبوت موضوع خود بر هیچ‌یک از علوم مبتنی نیست.

موضوع فلسفه از آن جهت که عام‌ترین چیزهاست و هیچ چیز نمی‌تواند خارج از آن ثبوت یابد، هرگونه محمولی که برای آن اثبات گردد، یا خود عین موضوع است، مانند: هر موجودی (از حیث وجود) واحد است، یا: هر موجودی بالفعل است؛ که در این‌جا واحد یا بالفعل هرچیز را در حیث مفهوم با موجود مغایرند، لیکن از حیث مصداق عین آنند؛ و اگر جز این بود نه از جهت ذات خود ثابت بودند نه از حیث اثبات آنها برای موضوع، یعنی موجود مطلق. و یا آن‌که محمول، عین موضوع نیست و اخص از موجود عام است لیکن چیزی غیر از آن هم نیست. چنان‌که گوییم: علت، موجود است که در این قضیه، علت گرچه اخص از موجود مطلق است، لیکن حیثیتی خارج از موجودیت عام ندارد و گرنه باطل بود. این‌گونه اوصاف با آنچه در برابر آن قرار دارد، از نوع قضایای مردود است و اطراف تردید بر روی هم مساوی با موجودیت عام است. مانند این‌که گوییم: هر موجودی یا بالفعل است یا بالقوه. اکثر مسائل در فلسفه به‌صورت تقسیم جریان می‌یابد، مانند تقسیم موجود به واجب و ممکن و تقسیم ممکن به مجرد و عین و تقسیم جوهر به مجرد و مادی و تقسیم مجرد به عقل و نفس و بر همین قیاس در سایر مسائل.

مسائل در فلسفه به شیوه «عکس حمل» مطرح می‌شود. مثلاً وقتی می‌گوییم: واجب موجود است و ممکن موجود است، در معنی چنان است که گفته شود: وجود، واجب است و ممکن. و یا اگر بگوییم: وجوب یا بالذات است و یا بالغیر، به این معنی است که موجود واجب منقسم می‌شود به واجب ذاتی و واجب غیری.

این فن (فلسفه اولی) چون از حیث موضوع اعم از همه فنون است و هیچ چیز از موضوع و محمولات آن خارج نیست، هدف و غایتی خارج از خود ندارد. یعنی برای مقصود دیگری آموخته نمی‌شود بلکه این معرفت خود، ذاتاً مقصود است.

بنابراین فلسفه به‌عنوان ابزاری برای دست‌یابی به مقاصد دیگر به‌کار نمی‌رود، چنان‌که علوم و فنون آلی (مانند منطق و طب و نحو و غیره) همه برای غایاتی جز ذات خود آموخته می‌شوند؛ در عین حال فوائد بسیاری بر آن مترتب است؛ چون موضوع فلسفه عام‌ترین اشیاء است، ایجاب می‌کند که معلول چیز دیگری نباشد، زیرا خارج از او (وجود) چیزی نیست. به

همین سبب برهان‌های مورد استفاده فلسفه، از نوع برهان «لمتی» نتواند بود. بلکه براهین فلسفی همگی براهین آنی هستند.

اما برهان «آن» (آنی): در منطق به تحقیق رسیده است که شناخت بر مبنای دست‌یابی از طریق معلول بر علت، مفید یقین نخواهد بود. پس برای بحث فلسفی جز برهان «آن» که مبتنی بر ملازمات عام باشد، یعنی رسیدن از طریق یکی از دو امر متلازم به دیگری، راهی باقی نمی‌ماند.

فصل اول: مسائل کلی وجود

۱-۱- مفهوم وجود

علامه در بدایه مفهوم وجود را مفروض بدیهی می‌داند که تصور و تعقل آن نیاز به وساطت مفهوم دیگری ندارد، «یعنی خود به خود» درک می‌شود و لذا معرفت (حقیق سم) ندارد؛ زیرا معرفت باید مفهومی روشن‌تر از معرفت باشد، حال آنکه مفهومی واضح‌تر از مفهوم وجود نیست، از نیروی آنچه به عنوان تعریف وجود بیان کرده‌اند، صرفاً شرح اسم و تبیین لغوی و لفظی است. علاوه بر آن که وجود، جنس و اصل عرض خاصه‌ای که از کلیات خمس به شمار می‌رود، ندارد. حال آن که معرفت از همین امور تشکیل می‌گردد. بنابراین، وجه معرفت ندارد.

علامه هم در بدایه و هم در نهایه وجود را از لحاظ مفهوم، مشترک می‌داند؛ زیرا بر آنچه که قابل حمل است به یک معنی حمل می‌گردد. این مسئله با رجوع به ذهن در هنگامی که وجود را در حسی حمل و یا از آن سلب می‌کنیم به خوبی روشن می‌شود؛ مثلاً وقتی که می‌گوییم: انسان موجود است، گیاه موجود است، خورشید موجود است، و یا وقتی که می‌گوییم اجتماع نقیضین موجود نیست، در همه این گونه موارد وجود دارای یک مفهوم است. صدر المتألهین می‌گوید: «اشتراک معنوی وجود در بین کلیه ماهیات، نزدیک به اولیات است».

علامه طباطبائی در بدایه الحکمه در اثبات اینکه چرا مفهوم وجود مشترک معنوی است و به یک معنا بر تمام مصادیق و موجودات حمل می‌شود؟ می‌فرماید:

اولاً- ما وجود را به اقسام مختلفی تقسیم می‌کنیم مانند تقسیم به واجب و ممکن، نیز تقسیم وجود ممکن به وجود جوهر و وجود عرض و هر یک از جوهر و عرض را به اقسامشان تقسیم می‌کنیم، روشن است که تقسیم در صورتی صحیح است که مقسم در همه واحدها باشد و آن امر واحد در همه اقسام حضور داشته باشد.